خبر ادبی

فرخنده آقایی:

صدای زنان در داستان‌های من شنیده می‌شود

فرخنده آقایی می‌گوید: زن همیشه دغدغه من بود و صدای زنان در داستان‌های من شنیده می‌شود.

بـه گزارش ایسـنا به نقـل از روابط عمومی هفت اقلیم، نشسـت نویسـندگان پیشکسـوت با عنوان «یک شـب یک نویسـنده» روز چهارشنبه بیستم تیر ماه با حضور «فرخنده آقایی» و میزبانی «الهام فلاحی» در این موسسه برگزار شد.

فرخنده آقایی درباره لزوم پرداختن به مسائل زنان به عنوان یک زن کـه در جامعه ایران زندگـی می‌کند را در چه می‌داند و آیا اگر در کشـور دیگری زندگی می‌کرد هم این دغدغه را داشت یا طور دیگری مینوشت، گفت: در شـروع داستان‌نویسی من قصد نداشتم که راجع به زنان بنویسـم، مسـئله‌اب که به آن مسـلط بودم و برایم جالب بود مسائل زنان بود. در دهه ۶۰ که ما شروع به نوشتن کردیم ادبیات زنان، بسیار محدود بود. شروع نوشتن من با ادبیات جنگ بود با این‌که ما در جنگ نبودیم ولی درگیر مسائل جنگ بودیم.

وی خاطرنشـان کرد: راجع به زن‌هایی که می‌شـناختم، شروع به نوشـتن کردم. الان که به گذشـته نگاه می‌کنم قصـد و قرض و عمد خاصی نداشـتم ولی خود به خود به این کشـیده شـد که صدای زن در نوشـته‌ها من باشد. مخصوصا زن‌هایی که بنظر خودم خیلی قدر و پیشرو و موفق بودند و مظلوم و کتک خور نبودند و می‌توانستند روی پای خودشـان بایسـتند، کار و درآمد داشته باشـند و زندگی خود را بچرخانند. الان که به گذشته نگاه می‌کنم متوجه می‌شوم دغدغه من زن بوده و صدای زنان هنوز در داستان‌های من شنیده می‌شود.

این نویسـنده درباره این‌که آیا نگرش فمینیستی دارد، نیز اظهار کـرد: فکر می‌کنم که چـه بخواهیم چه نخواهیـم در جامعه مدرن ما این تفکر فمینیسـتی وجود دارد اگر چـه که این اواخر برای خود من مسلم شده است که یک وجه سنتی نیز در من وجود دارد. یک وجه سنت که در زن ایرانی است را در وجودم دارم، که شاید با گذر زمان و بالارفتن سنم این مسئله در من نمود بیشتری پیدا می‌کند.

او دربـاره این‌که آیا دلیل خاصی دارد که در داسـتان‌هایش دین بسـیار مطرح بوده، نیز بیان کرد: من به این شـکل که بخواهم دین را در آثارم نقد بکنم نیستم. من دیدم که طی اشکالاتی که از کتاب‌های خودم گرفته شـد نوشـتن راجع به مذهب حتی در ایران هم خودی و غیر خودی دارد! مسـئله دین برایم جالب بوده که بشـر در کنار دین هویت پیدا می‌کند.

فرخنده آقایی در پاسخ به این سوال که با توجه به سنش و بودن در سـال‌های انقلاب و درک فرآیند جنگ چرا در کارهایش اشـاره‌ای بـه این موضوع نکـرده، توضیح داد: باید بگویم کـه تغییر و تحولات بوده و هنوزم هسـت و خیلی سریع هسـتند و این که بخواهد در من ته‌نشین شده باشند و از من تحت عنوان داستان بیرون بیاید نه! ولی داستان‌هایم را در آن زمان نوشتم و در داستان‌هایم نمود دارند.

نغمه

بهار آمد بهار من نیامد

» مشفق کاشانی

بهار آمد بهار من نیامد
گل آمد گل عذار من نیامد

برآوردند سر از شاخ، گل ها
گلی بر شاخسارمن نیامد

چراغ لاله روشن شد به صحرا
چراغ شام تار من نیامد

جهان را انتظار آمد به پایان
به پایان انتظار من نیامد

همه یاران کنار از غم گرفتند
چرا شادی کنار من نیامد

چه پیش آمد در این صحرا که عمری
گذشت و شهسوار من نیامد

سر از خواب گران برداشت عالم
سبک رفتار، یار من نیامد

به کار دوست طی شد روزگارم
دریغ از من به کار من نیامد

معرفی دو رمان از ژول ورن

فانوس دریایی آخر دنیا

"فانوس دریایی آخر دنیا" رمانی ماجراجویانه از نویسـنده فرانسـوی، ژول ورن است. نخستین پیـش نویس کتاب در سـال ۱۹۰۱ انجام شـد ولی اولین بار در سـال ۱۹۰۵ توسـط انتشـارات پیر-ژول اتزل منتشـر شد. داستان رمان درباره دزدی دریایـی در اقیانـوس اطلـس جنوبی در اواسـط قرن نوزدهم، با موضوع زندگی در شـرایط شدید و سـخت اسـت. حـوادث اصلی داسـتان در یک فانوس دریایی اتفاق می افتد. ورن در نوشتن این کتاب از فانوس دریایی واقعی در ایالت ایل دلوس آرژانتین، الهام گرفته ست.

داسـتان، مبـارزه بین خیر و شـر را بازگو می کند. در این داستان هر دو گروه خوب و بد نسبت به بعضی رویدادهای معین، نظرات مشابهی دارند اما، هدف های متضادی دارند و به همین دلیل هم بین شان مبارزه رخ می دهد.

شرح داستان:

موریز، واسـکز و فیلیپ سـه نگهبان فانوس دریایی مسـتقر در جزیره استاتن واقع در دماغه جنوبـی آرژانتین هسـتند. دو نفر از آنها توسـط گروهـی از دزدان دریایی تازه وارد به رهبری یک شورشی کشـته می شوند. واسـکز تنها بازمانده اسـت و به مدت چند ماه فقـط از غذاهای مخفی شـده دزدان دریایی در یک غار تغذیه می کند تا اینکه سرانجام توسط یک کشتی آمریکایی نجات پیدا می کند.

**

ناخدای دانوب

رمـان ناخدای دانـوب یکی از آثار پلیسـی و در عین حال تاریخی ژول ورن محسـوب می‌شود که بسـیار پر هیجان و زیباسـت. حوادث این اثر جالب، در بحبوبـه جنگ‌هایی رخ می‌نماید که در قـرن نوزدهم میلادی در کشـورهای ترکیه که در آن زمـان همان دولـت عثمانی بود، بلغارسـتان، صربستان، روسیه و ... اتفاق می افتد.

شـاید خواننـدگان کتاب‌هـای ژول ورن داسـتان‌های زیادی را از این نویسنده مشهور در مورد اکتشافات و اختراعاتی که بعدها به واقعیت مبدل شد، مطالعه کرده باشند، ولی این اثر که برای نخستین بار در سال ۱۳۸۷ به فارسی ترجمه شد، قدرت ژول ورن را در داسـتان‌های غیر تخیلی به خوبی نشان می‌دهد به همین دلیل، با ملاحظه این کتـاب می‌توان او را در ردیف نویسـندگان مقتدر داستان‌های پلیسی نیز به حساب آورد.

درباره کتاب

رودخانه دانوب که از چندین کشـور اروپایی می‌گـذرد و آن‌هـا را سـیراب می‌کنـد، شـاهد جنگ‌های ناخواسـته اسـت که بر تعـداد زیادی از ایـن کشـورها تحمیل شـده بود. حـوادث این کتـاب، در همـان هنگامه جنـگ روی می‌دهد و دزدان و غارتگـران، بـا اسـتفاده از اوضاع درهم مغشـوش آن کشـور ها، دسـت به چپاول و سایر اعمال جنایتکارانه می‌زدند و دستگاه‌های امنیتی را که در آن هنگام ضعیف شـده بودند و بیشـتر کارکنان آن به امور مربوط به جنگ می‌پرداختند، با مشکلاتی بسیار زیاد و از جهاتی لاینحل مواجه می‌ساختند.

کرجـی ماهیگیـری کوچکی که ناخـدای آن لادکو نـام دارد، همراه با یک سرنشـین دیگر که کارآگاهـی مشـهور و زیـرک اسـت، در رودخانه دانوب حرکت می‌کند.

لادکـو از ماهیگیران زبده‌ای اسـت که موفق به فتح مسابقه ماهیگیری و دریافت جایزه بزرگ مجمع ماهیگیران دانوب شـده است. هر چند که بـه ظاهر هدف یکـی از سرنشـینان آن کرجی از مسـافرت در رودخانه دانوب، شـرکت در مسابقه ماهیگیـری و هدف دیگـری همراهی و تشـویق اوسـت، ولی در اصل، هر یک از آن دو سرنشـین به دنبال گمشده خود هستند.اوج هیجان داستان این کتاب، در برخوردهایی اسـت که میان آن دو سرنشین کرجی با هم و سپس آن دو نفر با دزدان روی می‌دهـد. در ایـن کتاب هم، مانند بسـیاری از کتاب‌هـای ژول ورن، اطلاعات بسـیار مفیدی در مورد تاریخچه کشـورهای حـوزه دانوب و نیز جغرافیای منطقه وجود دارد کـه با مطالعه آن‌ها، می توان به بسیاری از مجهولات دست یافت.نکته قابل ذکر این است که پیش بینی سرانجام داستان، باز هم مانند سایر داستان‌های ژول ورن کاری بس مشکل است و خواننده تا بخش‌های پایانی کتاب، همچنان در هیجان و اضطراب خواهد بود.

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۰۲۵۳۶۰۰۱۳۱ شعبه ۱۱۳۷ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شهید مطهری تهران (۱۱۵۱ جزایی سابق) تصمیم نهایی شـماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۱۴۴۰۰۲۳۸ – شکات: ۱. آقای ناصر صالحی برمی فرزند محمدرضا به نشانی تهران م امام حسین انتهای خ ش مرتجانی خ زاهد گیلانی جنب ک صالبی پ ۲۰۲ ط دوم – ۲. خـانم مینـا صالحی برمی فرزند محمدرضا به نشانی تهران – خ ولی عصر خ لبافی نژاد پاساژ ولیعصر اکسفرد سابق ط آخر پ ۳۰۴ تولیدی حسینی – ۳. آقای مسعود صـالحی برمـی فرزند محمدرضا به نشانی استان تهران – میدان امام حسین انتهای خ شهید مرتجایی غربی خ زاهد گیلانی نبش کوچه صالحی پ ۲۰۲- ٤. خانم پـروین کـی نـژاد فرزنـد شاهپور ۵. آقای کیومرث کیاست فرزند گشتاسب با وکالت آقای کاوه جهان بیگلری فرزند مسعود به نشانی خیابان پاسداران – برج سفید- طبقه دوم – واحـد ۲۰۳- ط ۳- متهمین ۱. آقای حبیب اله اسدالهی کیا فرزند اسداله به نشانی تهران – طرشت ک محمدی بن بست اول درب دوم – ۲. آقای اکبر یحیوی دولت آبادی فرزند علی همگی به نشانی چالوس خ رادیودریا فرعی ١٤ غربی – ۳. آقای ذبیح اله قائمی فرزند امامقلی به نشانی تهران – زعفرانیه کوی میرزایی پ ۲۹- ٤. آقای محمدباقر مهدیان فرزند علی اشرف با وکالت آقای مهدی شاهمردادی فرزند عیسی به نشانی استان تهران – جنت آباد مرکزی – نرسیده به نیایش- پلاک ۲٦٦- طبقه ۲- واحد ٤. اتهام ها ۱. تحصیل مال از طریق نامشروع یا سوء استفاده و تقلب از امتیازات ۲. جعل سند رسمی و معاونت دران ۳. معاونت در انتقال مال غیر ٤. و تبانی برای بردن مال غیـر ۵. تصـرف عـدوانی ٦. جعل و استفاده از سند مجعول و انتقال مال غیر

رأی دادگاه

درخصوص اتهام آقایان ۱. حبیب الله اسداللهی کیا فرزند اسدالله، متولد ۱۳۱٤، فعلاً متواری ۲- اکبر یحیوی دولت آبادی فرزند علی، متولد ۱۳۵۷، فعلاً متواری هر دو دارای سوابق متعدد کیفری دایر بر جعل وکالتنامه و جعل استعلام و استفاده از سند مجعول و فروش و انتقال مال غیرموضوع شکایت آقایان مسعود صالحی- ناصر صالحی و خانم مینا صالحی همگی فرزندان محمدرضا دادگاه با عنایت به محتویات پرونده که حاکی است متهم ردیف اول یک ملک ویلایی واقع در شهرستان چالوس، خیابان تختی غربی (رادیو دریا) به ارزش تقریبی یک میلیارد تومان که متعلق به پدر شکات بوده و مشارالیه نسبت به ملک از مالک اصلی وکالت در انتقال داشته سه سال پس از فوت مـورث شکات در تاریخ ۱۳۸۰/۰۸/۲۸ در محضر شماره ۹ شهرری طبق یک وکالت جعلی به نام خود می نماید و در تاریخ ۱۳۸۵/۵/۱۲ متهم ردیف اول با یک وکالت نامه جعلـی ملک مذکور را به نام متهم ردیف دوم می نماید و متهم ردیف دوم در تاریخ ۹٤/۵/۲۱ ملک مذکور را با وکالت در محضر شماره ۱۷۷ نوشهر در ازای مبلغ هفـت میلیـارد ریال به آقای سجاد کلامرج الیاسی انتقال می دهد علیهذا با عنایت به مفاد کیفرخواست صادره از دادسرا و استعلام های بعمل آمده که حاکی از جعلی بودن وکالتنامـه هـا می باشد و نظر به عدم حضور متهمین در جلسه دادسرا و دادگاه به منظور دفاع از خویش و سوابق متعدد کیفری نامبردگان بزه های انتسابی به نامبردگان محرز و مسلم بوده و مستنداً به مواد ۵۲۳ و ۵۳۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده یک قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ و با رعایت ماده ۱۳٤ قانون مجازات اسلامی متهم ردیف اول را به سه سال حبس تعزیری بابت جعل و ۷ سال حبس تعزیری و جزای نقدی به مبلغ یک میلیارد تومان بابت استفاده از سند مجعول و انتقال مال غیر و مـتهم ردیـف دوم را بابت استفاده از سند مجعول و انتقال مال غیر (تعدد معنوی) به هفت سال حبس تعزیری و جزای نقدی هفت میلیارد ریال محکوم می نماید و درخصوص اتهام دیگر متهم ردیف دوم دایر بر جعل وکالتنامه بلحاظ عدم تکافو ادله اثباتی بر وقوع بزه مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی و اصل برائت حکم بر برائت مشارالیه صادر می نماید و باتوجه به تصرف ملک توسط شکات موضوع رد مال منتفی می باشد و همچنین در خصوص اتهام آقای ذبیح اله قائمی فرزند امامقلی، متولد ۱۳۲۰، شهرستان شهرکرد، فعلاً متواری دایر بر مباشرت در جعل سند رسمی و استفاده از سند مجعول و انتقال مال غیرموضوع شکایت آقای کیومرث کیاست فرزند گشتاسب- خانم پروین کی نژاد فرزند شاهپور با وکالت آقایان محمد قلی زاده و کاوه جهان بیگلری با عنایت به محتویات پرونده که حاکی است متهم با جعل امضاء شاکیان و تنظیم وکالتنامـه جعلـی بـا حـق انتقال به غیر تحت شماره ۱۱۸۷٦ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱٦ اقدام به تنظیم سند بنام خود به شماره ٤۵۲۵۹ در مورخ ۱۳۹٤/۵/۸ در دفترخانه ٤۳۹ نسبت به ملک شکات واقـع در تهران زعفرانیه، خیابان اعجازی آصف خیابان میرزائی پلاک ۲۹ که چهار دانگ و نیم آن متعلق به آقای کیومرث کیاست و یک دانگ و نیم آن متعلق به خانم پروین کی نژاد فرزند به ارزش تقریبی سیزده میلیارد تومان می نماید و متهم علیرغم اینکه در تاریخ ۱۳۹٤/۹/۹ پس از طرح شکایت توسط شکات سند مذکور را در دفترخانه ٤۳۹ فسخ و اقالـه می نماید مع الوصف مشخص می گردد نامبرده در تاریخ ۱۳۹٤/۱۰/۹ ملک مذکور را که دارای ده واحد بوده است به آقای اخگر بصورت وکالتی انتقال می دهـد (صـفحه ۱۸۹) علیهذ با عنایت به مفاد کیفرخواست صادره از دادسرای ناحیه ۱۸ تهران، جعلی بودن وکالتنامه و استعلام بعمل آمده از اداره ثبت شمیران، عدم حضور متهم در دادگاه بمنظور دفاع از خویش و سایر شواهد و قرائن موجود بزه انتسابی را به وی محرز و مسلم تشخیص و مستنداً به مواد ۵۲۳ و ۵۳۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده یـک قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ با رعایت ماده ۱۳٤ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متهم را به سه سال حبس تعزیری بابت جعـل و هفـت سـال حـبس تعزیری و جزای نقدی معادل سیزده میلیارد تومان و رد ملک مذکور به شکات بابت استفاده از سند مجعول و انتقال مال غیر (تعدد معنوی) محکوم می نمایـد رای صـادره غیابی و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و سپس ظرف مهلت ۲۰ روز پس از آن قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر استان تهران می باشـد و درخصوص اتهام آقای محمدباقر مهدیان فرزند علی اشرف، متولد ۱۳٤۲، متاهل، شغل سردفتر، فاقد سابقه کیفری با وکالت آقای شاهمرادی دایر بر معاونت در انتقال مـال غیر دادگاه با عنایت به دفاعیات متهم و وکیل وی نظر به عدم احراز وحدت قصد بین معاون و مرتکب جرم و عدم احراز سوء نیت مشارالیه صادر و اعـلام مـی دارد رای صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر استان تهران می باشد.

٤۰۸۸۰.م.الف/٦۰۲-د

رئیس شعبه ۱۱۳۷ دادگاه کیفری دو تهران

آگهی تاسیس شرکت سهامی خاص پویشگران ایده آل نیکان

درتاریخ ۱۳۹٦/۰٦/۱٤ به شماره ثبت ۵۱٤۷۳۹ به شناسه ملی ۱٤۰۰۷۰٤۳۵۲۸ ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطـلاع عموم آگهی میگردد. – موضوع : خرید و فروش ، واردات و صادرات کلیه کالای مجاز بازرگانی از جمله قطعات کامپیوتری ، تولید ، ارایـه رایانـه ، تولیـد دستگاه های های جانبی و کلیه قطعات الکترونیکی ، تولید و پشتیبانی و نرم افزار های سفارش مشتری ، ارایه و پشتیبانی بسته های نـرم افـزاری و سـی دی اطلاعاتی تولید داخل ، خدمات شبکه های اطلاع رسانی ،نظارت بر کلیه امور انفورماتیکی شبکه داده ها و اجرا و پشتیبانی ، اخذ واعطای نمایندگی داخلـی و خارجی ، ایجاد و احداث شعبه در ایران و سراسر جهان برگزاری و شرکت در نمایشگاه های تخصصی و عمومی د اخلی و خارجی ، و شـرکت در کلیـه مناقصات و مزایدات دولتی و خصوصی ، حقوقی. در صورت ضرورت قانونی انجام موضوعات پس از اخذ مجوزهای لازم – مدت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود – مرکز اصلی : تهران شهر تهران- کریم خان زند- کوچه سوم- خیابان میرزای شیرازی- پلاک ۱۹- ساختمان شـورای خلیفـه گـری- طبقـه اول- واحد ۱- کدپستی ۱۵۸۵٦۳۳۱۱۱ سرمایه شخصیت حقوقی :مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰۰۰۰۰ ریالی با نام می باشـد کـه مبلـغ ۳۵۰۰۰۰۰ ریال بموجب گواهی بانکی بشماره ٤٦/۹٦/۱۷۳٤ مورخ ۹٦/٦/٦ بانک توسعه تعاون شعبه توانیر پرداخت گردیده و الباقی سرمایه در تعهد سهامداران میباشـد – اولین مدیران : آقای فردیس فرهادی چشمه مرواری به شماره ملی ۰۰۵٦۹٤۱۲٦۹ و به سمت رئیس هیئت مدیره آقای مجتبـی بختیـاری بـه شـماره ملـی ۰٤٤۰۱٦۱۰۷۱ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره آقای ستار قادری به شماره ملی ۳۵۹۱۳۱۵٤۸٦ و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سـال انتخـاب شـدند – دارندگان حق امضا : کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و اسناد رسمی با امضاء مدیرعامل و نایب رییس هیئت مدیره و رییس هیـت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل منفردا معتبر می‌باشد – اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه – بازرس اصـلی و علی البدل : خانم مریم غفاری به شماره ملی ۰۰۷۰۵٤٤۵۷۳ به سمت بازرس اصلی خانم معصومه باقری به شماره ملی ۰۰٦٤۲۳۲٤۷٦ به سمت بازرس علـی البدل به مدت یک سال مالی انتخاب شدند – روزنامه کثیر الانتشار ابرار جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. – ثبت موضوع فعالیت مذکور،به منزلـه اخذ و صدور پروانه فعالیت نمیباشد.

٦٤٦-د

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۰۲۰۷۰)

تازه‌های نشر

کتابی به قلم مریم ساحلی منتشر شد

مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه مریم ساحلی با عنوان «بی‌خلوتی» منتشـر شد.به گزارش مهر، انتشارات کتاب نیستان مجموعه داستان «بی‌خلوتی» اثر مریم سـاحلی را روانه بـازار کتاب کرد. این مجموعه شـامل ۱۹ داسـتان کوتاه از این نویسـنده اسـت که هر کدام از آنها یک تجربه مجزا در حوزه داستان‌نویسـی اجتماعی برای وی به شمار می‌رود.بی‌خلوتی را می‌توان مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه دانست که هر کدام از آنها ایده‌های داستانی متفاوت و بکری را در بر داشته و با زبان و شیوه روایی منحصر به فردی بازگو می‌شود.

«بی‌خلوتی» به اذعان ناشر آن مجموعه‌ای است آکنده از ایده‌های داسـتانی درون و برون‌گـرا. اثری که مخاطب خـود را دائماً به تأملی شـاعرانه در برش‌هایی از زندگی جاری در بطن جامعه زیسـتی ایران معاصر دعوت می‌کند. داستان‌هایی که بی‌آنکه اصرار داشته باشند تا در جغرافیا و یا موقعیت زیسـتی ویژه‌ای روایت شوند، از حیث ایده و پلات داستانی مخاطب خود را شگفت‌زده می‌کنند و این شگفت‌زدگی نیز نه ناشـی از سـر حوادث که از حیث سرنوشـتی است که داستان برای مخاطب خود تدارک دیده و به کار روایت آن دست زده است.

مجموعه داسـتان «بی‌خلوتی» اثر مریم سـاحلی در زمره چنین داسـتان‌هایی است. داستان‌هایی که نوشته شـدنش نه برای افزودن چیزی بـه ادبیات که بـرای افزودن چیـزی به زندگی مخاطبانشـان است.

زنگ ادبیات

انتخاب هیأت‌مدیره "فرهنگنامه کودکان و نوجوانان"

اعضای هیأت‌مدیره «فرهنگنامه کـودکان و نوجوانان» در مجمع عمومی سالانه شرکت تهیه و نشر این فرهنگنامه انتخاب شدند.

به گزارش ایسـنا بنا بر اعلام، جلسه مجمع عمومی سالانه شرکت تهیه و نشر «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» (سهامی عام) در تاریخ چهارشنبه ۱۳ تیرماه ۱۳۹۷ از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در محل قانونی شرکت برگزار شـد. در این جلسـه بعـد از گزارش هیأت‌مدیـره و بازرس قانونی، تراز مالی و عملکرد شرکت برای سال گذشته مورد تصویب قرار گرفت.همچنین براسـاس دستور جلسه اعضای هیأت‌مدیره به مدت دو سال (۱۳۹۹-۱۳۹۷) و به این ترتیب انتخاب شدند:

اعضـای اصلی: سـیدعلیرضا میرفخرائی، تقی عرفانپور، شـهناز خانلو، اکبر نعمتی، نیره بهبهانی.اعضای علی‌البدل:سوگند مالی،سارا میرفخرایی،حسابرس شـرکت و بازرس قانونی نیز به ترتیب موسسه حسابرسی شراکت و دایان رهیانت تعیین شدند و روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شد.

○○○

علی اصغر مداد:

زبان دومی که بلدیم ما را مترجم نمی‌کند

» گزارشگر : مانده مرتضوی

بـه گـزارش ایبنا بـه بهانـه تقدیـر از ترجمه مجموعه داسـتان «دیگـری» با علی‌اصغر حـداد درباره ویژگی‌های ایـن اثر و همچنین سـبک نویسندگی آرتور شنیتسـلر گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

– شما مترجمی هستید که از نویسندگان آلمانی‌زبان زیـادی ترجمه کرده‌اید. نویسـندگانی ماننـد دورنمات، ریکله، گونترگراس، فریش و ... سـبک نگارش شنیتسلر را به کدام‌یک از نویسـندگانی که تا بـه حال از او آثاری ترجمه کرده‌اید، شبیه می‌دانید؟

درباره سـبک شنیتسـلر نمی‌توان نکته ویژه‌ای را گفت. بیشـتر تفاوتی که او با باقی نویسـندگان دارد در موضوعاتی اسـت که برای نگارش انتخاب می‌کند. در دوره او بیشـتر نویسندگان به موضوعاتی نظیـر فقر و مسـائل مختلف اجتماعی می‌پرداختند اما شنیتسـلر به مسائل روانی و درونیات کاراکترهایش توجه می‌کرد.

– بین تمام نویسندگان آلمانی‌زبانی که آثارشان را به فارسـی برگردانده‌اید، به سبک و نگارش کدام‌یک علاقه بیشتری داشته‌اید و اولویت شما برای ترجمه کدام‌یک از آن‌ها بوده است؟

بیشـترین ترجمه‌هایی که از یک نویسنده انجام داده‌ام مربوط به فرانتس کافکا بوده اسـت. تا به حال هم از هیچ نویسنده‌ای به اندازه کافکا ترجمه نکرده‌ام و کافکا تنها نویسنده‌ای بوده که تمام آثار او را به صورت مجموعه ترجمه و به فارسی برگردانده‌ام.

– با توجه به کارنامه ترجمه شـما به نظر می‌رسـد که اولویت شما ترجمه آثار کلاسیک از نویسندگان شاخص و به نوعی پیشکسوت است. درباره ترجمه آثار نویسندگان امـروز ادبیات آلمان چه رویکـردی دارید و آیا در برنامه کاری و حرفه‌ای‌تـان برای ترجمه جایی برای ترجمه آثار نویسندگان معاصر نیز هست؟

بلـه همان‌طور که گفتنیـد اولویت من ترجمه آثار معاصر نیسـت و تمرکزم روی ترجمه آثار کلاسیک است. اما اگر به اثر خوبی برخورد کنم و پیش بیاید حتما این کار را انجام می‌دهم. اتفاقا در حال حاضر مشغول ترجمه رمانی هستم که نویسنده آن در قید حیات است. البته من قبل از این هم از نویسندگان در قید حیات ترجمه کرده‌ام. «اهانت به تماشاگر» از هانکه یکی از آن‌هاست. به طور کلی اگر نویسنده‌اثی باشد که کارش را بپسندم و اثر باارزشی باشد حتما از او ترجمه خواهم کرد.

– همان‌طور که خودتان هم اشـاره کردید بسیاری از مترجمان به دلیل کمبود اشـتغال و تنها به دلیل آشنایی با زبان دوم به ترجمه روی آورده‌اند. شما به عنوان مترجم چه توانایی دیگری را به جز تسلط بر زبان دوم برای این کار لازم می‌دانید؟

تسـلط به زبان مـادری. زبان دومی که بلدیم مـا را مترجم نمی‌کند. مترجم بودن فن اسـت و آموزش خود را می‌خواهد. اول اینکه آن شخص باید در زبان فارسی تبحر داشته باشد. وقتی زبان دوم را می‌خوانیم منفعل هستیم اما برای برگرداندن به فارسی ما زبان تولید می‌کنیم و باید به زبان فارسی تسلط کامل داشته باشیم تا جملات قابل قبولی تولید کنیم. برای مترجم بودن دانسـتن زبان دوم شرط لازم اسـت اما کافی نیست. البته عشق و علاقه هم این میان مهم است.